

Methodology for Addressing and Responding to Doubts Concerning the Prophetic Biography

Seyyed Mohsen Sharifi*

Received Date: 2024/12/28

Accepted Date: 2025/2/8

The methodology for responding to doubts concerning the Prophetic biography (Sirah Nabawiyah) is one of the important subjects in Islamic studies, as addressing such doubts represents a significant current challenge in the field of religious studies and Islamic scholarship. Undoubtedly, these doubts may arise from ignorance, misunderstandings, or even prejudices. Therefore, providing scientific and convincing responses to doubts about the history and biography of the Prophet requires awareness and application of approaches and skills that can be termed the methodology of confronting and responding to doubts in this domain. The present research, employing analytical and descriptive methods and utilizing documented scientific approaches, seeks to explain this aspect of scholarly capability in the field of responding to doubts. The aim of this article is to present a systematic framework for responding to the aforementioned doubts in this area. Since responding to these doubts requires a scientific, logical, and rational approach, various methods and principles can be examined. In the present work, while investigating the origin, progression, and formation of doubts about the Prophetic biography, attention has been given to methodology in this field, and approaches such as referencing authoritative sources and definitive concepts alongside alignment with rational logic and the use of diverse scientific techniques have been presented.

Keywords: *Methodology, Responding, Confronting doubts, Prophetic biography.*

نصف سنوية علمية محكمة
مطالعات شبهه پژوهی
السنة الثانية، الرقم الخامس، الخريف والشتاء ١٤٤٥ق

منهجية مواجهة الشبهات والرد عليها في موضوع السيرة النبوية

سيد محسن شريفی*

القبول: ١٤٤٦/٨/٩

الإستلام: ١٤٤٦/٦/٢٦

تعتبر منهجية الرد على الشبهات المتعلقة بالسيرة النبوية من القضايا المهمة في الدراسات الإسلامية؛ لأن الرد على الشبهات حول السيرة النبوية تعد من التحديات الكبرى في مجال الدراسات الدينية والدراسات الإسلامية في عصرنا الحالي، ولا شك أن هذه الشبهات قد تكون ناجمة عن الجهل أو سوء الفهم أو حتى التعصب. ومن ثم فإن تقديم رد علمي مقنع على الشبهات المتعلقة بالتاريخ و السيرة النبوية يتطلب معرفة واستخدام أساليب ومهارات يمكن أن نسميها منهجية مواجهة الشبهات والرد عليها في هذا المجال. فقد سعت هذه الدراسة، بالمنهج التحليلي الوصفي، واستخدام الأساليب العلمية الموثقة، إلى توضيح هذا الجانب من القدرات العلمية في مجال الرد على الشبهات. إن الهدف من البحث الحالي هو إعداد إطار منهجي للرد على الشبهات المطروحة في هذا المجال. وبما أن الرد على هذه الشبهات تتطلب منهجًا علميًا ومنطقيًا وعقائنيًا، فمن الممكن دراسة العديد من الأساليب والمبادئ. في هذا البحث، بالإضافة إلى دراسة أصل الشبهات ومسارها وتكوينها حول السيرة النبوية، تم الاهتمام بالمنهجية في هذا المجال، وعُرِضت أساليب مثل الاستشهاد بالمصادر الموثوقة والأفكار والنظريات القطعية، إلى جانب التكيف مع المنطق العقلي واستخدام التقنيات العلمية المختلفة.

الكلمات المفتاحية: المنهجية، الرد على الشبهات، مواجهة الشبهات، السيرة النبوية.

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
مطالعات شبهه‌پژوهی
سال دوم، ش ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

روش‌شناسی مواجهه و پاسخ به شبهات در موضوع سیره نبوی

سیدمحسن شریفی*

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۸

چکیده

روش‌شناسی پاسخ به شبهات در موضوع سیره نبوی، یکی از موضوعات مهم در مطالعات اسلامی است؛ چراکه پاسخ به شبهات در سیره نبوی، از چالش‌های مهم فعلی در عرصه دین‌پژوهی و مطالعات اسلامی است و شکی نیست این شبهات می‌توانند ناشی از ناآگاهی، سوءتفاهم یا حتی تعصبات باشند؛ بنابراین پاسخ‌دهی علمی و قانع‌کننده به شبهات در موضوع تاریخ و سیره نبوی نیازمند آگاهی و به‌کارگرفتن شیوه‌ها و مهارت‌هایی است که از آن به روش‌شناسی مواجهه و پاسخ به شبهات در این حوزه می‌توان یاد کرد. پژوهش حاضر به‌گونه تحلیلی و توصیفی و با بهره‌گیری از شیوه‌های علمی مستند، به دنبال تبیین این بخش از توانمندی‌های علمی در حوزه پاسخ‌دهی به شبهات می‌باشد. هدف مقاله پیش رو، ارائه چهارچوبی منظم برای پاسخ‌گویی به شبهات مذکور در این حوزه است. از آنجاکه پاسخ‌گویی به این شبهات نیازمند رویکردی علمی، منطقی و عقلی است، روش‌ها و اصول گوناگونی را می‌توان بررسی کرد. در نوشتار حاضر ضمن بررسی خاستگاه و سیر روند و شکل‌گیری شبهات درباره سیره نبوی، به روش‌شناسی در این حوزه توجه شده و روش‌هایی همچون استناد به منابع معتبر و انگاره‌های قطعی در کنار تطبیق با منطق عقلانی و استفاده از تکنیک‌های علمی متنوع ارائه شده است.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، پاسخ‌دهی، مواجهه با شبهات، سیره نبوی.

مقدمه

اهمیت و جایگاه سیره و سنت نبوی به عنوان دومین منبع استنباط مورد اتفاق همه فقهای اسلام بوده و از آن با عنوان سنت تعبیر شده است. این سنت در حقیقت عبارت است از آنچه به جز قرآن کریم از پیامبر اکرم ﷺ شنیده شده است.

آگاهی از سیره پیامبر اعظم ﷺ در جهت سعادت مسلمانان، نقش بنیادین و بسیار گسترده‌ای در جامعه اسلامی و حتی جهان بشری داشته و دارد؛ به‌ویژه که قرآن کریم سیره نبوی را الگوی نیکو بر شمرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱ / طوسی، [بی تا]، ج ۸، ص ۳۲۸). با توجه به همین مطلب، شناخت سیره نبوی و اهمیت سیره‌شناسی بیشتر روشن می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۳، ص ۱۸۷). این موضوع اساسی‌ترین انگیزه مسلمانان در جهت ثبت رفتارهای رسول خدا ﷺ بوده و در واقع تاریخ‌نگاری اسلامی را همین «سیره‌نویسی» بنیاد نهاد (امامی فر، ۱۳۸۳، ص ۲۵) که یکی از نخستین و مهم‌ترین گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری مسلمانان است (جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۲۷).

از سوی پژوهش‌های علمی در درجه نخست نیازمند روش‌اند که در نهایت به افزایش شناخت و درک ما از آن موضوع یا مسئله منجر می‌گردد؛ بنابراین پژوهش‌های علمی عمدتاً با هدف حل مجهولات و گشودن دریچه‌ای به سوی ناشناخته‌ها صورت می‌گیرد و هدف اصلی و اولیه در این گونه تحقیقات علمی ارائه پاسخ قانع‌کننده به مسئله یا شبهه‌ای است که در حوزه سیره نبوی مطرح می‌باشد.

درباره اهمیت این موضوع باید دانست پاسخ‌گویی به شبهات نه تنها برای تقویت ایمان مسلمانان ضروری است، بلکه به تبیین صحیح آموزه‌های دینی و جلوگیری از گمراهی نیز کمک می‌کند. با توجه به تنوع شبهات و چالش‌های جدید، نیاز به رویکردی منظم و علمی برای پاسخ‌گویی احساس می‌شود. از سوی تقویت ایمان را باید در پاسخ‌گویی به شبهات دانست که باعث تقویت ایمان مؤمنان می‌شود. وقتی افراد با دلایل قانع‌کننده روبه‌رو می‌شوند، احساس امنیت بیشتری در اعتقادات خود خواهند داشت.

روش‌شناسی علمی، بنیان‌های منطقی معرفتی استدلالی را توضیح می‌دهد و در نتیجه متضمن توانایی در استدلال منطقی و تحلیل است. روش‌شناسی پاسخ به شبهات در موضوع سیره نبوی نیز به بررسی روش‌های به‌کار رفته در بیان، تحلیل و ارائه سیره و تاریخ آن حضرت مرتبط است که شامل نقد روش‌های پیشین و ارائه رویکردهای جدید و توجه به محیط فضای اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. بررسی این روش‌ها و تحلیل آنها کمک می‌کند تا به درک

صحیح‌تری از روش اصولی در سیره نبوی و پاسخ به شبهات موجود برسیم؛ براین اساس در مقاله حاضر پس از بیان مفهوم‌شناسی و مقدمات، به بررسی روش‌ها و تکنیک‌های گوناگون پاسخ به شبهات در سیره نبوی خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم‌شناسی واژگان

پژوهش علمی در هر رشته پیش از هرچیز نیازمند ارائه تعریفی دقیق از آن علم و مفاهیم مرتبط با آن است؛ تعریفی که نشان‌دهنده رهیافت‌ها، انتظارات و برداشت‌های ما از آن علم و ترسیم‌کننده حدود و قلمرو آن در حوزه روش‌شناسی باشد:

- تاریخ: در همه علوم و معارف بشری، نام علم با موضوع آن تفاوت دارد، حال آنکه واژه «تاریخ» لفظ مشترکی است که هم بر عنوان یک علم و هم بر موضوع آن اطلاق می‌شود (ملانی توانی، ۱۳۸۶، ص ۱۷). تاریخ، واژه‌ای عربی به معنای آگاهی از وقت و زمان بوده و بر چیزی یا حادثه‌ای که در وقت مشخص اتفاق افتاده باشد، به‌کار رفته است (ابن‌منظور، ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۴/ حسینی زبیدی واسطی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۵۵). تاریخ را به‌معنای تعیین زمان رویداد نیز گرفته‌اند؛ زیرا در دانش تاریخ، حوادثِ زمان گذشته بررسی می‌شود (آئینه‌وند، ۱۳۷۷، ص ۵). افزون‌براین تاریخ را واژه‌ای با مفهوم انتزاعی دانسته‌اند که هم به وقایع گذشته و هم بر مطالعه و بررسی وقایع اطلاق می‌کنند که در این صورت شامل علم تاریخ و موضوع آن می‌شود (مفتخری، ۱۳۹۳، ص ۱۳). در این نگاه، تاریخ را علم شناخت و تفسیر گذشته انسان‌ها در پرتو حال گرفته‌اند که با روش‌ها، گزینش‌ها و تفسیرهای مورخان به‌دست می‌آید (کار، ۱۳۵۱، ص ۴۴).

از آنجاکه تاریخ به چگونگی وقایع، موجبات و علل واقعی آنها می‌پردازد، سرچشمه تاریخ را حکمت دانسته‌اند و آن را از دانش‌های حکمت محسوب کرده‌اند (جان‌احمدی، ۱۳۹۸، ص ۲۱). بی‌شک اسلام نقش مهمی در گسترش علم تاریخ در میان مسلمانان داشته است که به‌خاطر اهمیت این دانش از منظر حکمت اسلامی و متن قرآن می‌باشد (امامی‌فر، ۱۳۸۳، ص ۲۴-۲۵).

- سیره: این واژه در لغت به‌معنای طریقه، روش، حالت موجود در انسان یا غیر او (غریزی یا اکتسابی) به‌کار رفته است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۴۰). در متون دینی نیز این واژه‌ها یکی از پُراستعمال‌ترین واژه‌هاست. در قرآن کریم این واژه درباره عصای حضرت موسی علیه السلام این‌گونه آمده است: «قَالَ حُذِّهَا وَلَا تَحْتَفِ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى» (طه: ۲۱). سیره در متون روایی نیز در موارد متعددی به‌کار رفته است؛ برای مثال در نهج‌البلاغه از امیر مؤمنان علیه السلام درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «و سیره القصد» (نهج‌البلاغه، خ ۹۴). همچنین آن حضرت در توصیه عمل حاکم بر اساس

سیره نبوی ﷺ فرمود: «و لکم علینا العمل بکتاب الله تعالی و سیره رسول الله ﷺ» (نهج البلاغه، خ ۱۶۹). در روایات دیگر معصومان نیز به این واژه برمی‌خوریم؛ برای مثال در روایتی از امام سجاد ﷺ سیره امیرالمؤمنین ﷺ در جنگ جمل مطابق سیره رسول الله ﷺ معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳). امام باقر ﷺ درباره روش حضرت مهدی ﷺ فرمود: او دقیقاً بر اساس سیره رسول الله ﷺ عمل خواهد کرد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۵۴).

باتوجه به نمونه‌های یادشده و موارد متعدد دیگر که در متون روایی و تاریخی یافت می‌شود، می‌توان گفت واژه سیره در کاربرد عمومی در جامعه مسلمانان صدر اسلام، در معنای چگونگی، نحوه و نوع یک چیز یا یک فعل به کار می‌رفته است؛ به عبارت دیگر این واژه بر چیزی متمایز از اصل کار دلالت دارد.

- **شبهه:** شبهه برگرفته از ماده «شبه» دارای معانی گوناگونی همچون اختلاط، التباس، ابهام، آمیخته شدن حق با باطل و شباهت دو یا چند چیز به یکدیگر آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۰۴/ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۴۳). شبهه آن است که دو چیز در اثر مماثلت از یکدیگر قابل تشخیص نباشند؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است: عیسی را نگشتند و به دار نزدند، ولی کار بر آنها مشتبه شد: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ» (نساء: ۱۵۷)؛ براین اساس هر انگاره استدلال‌گونه‌ای که یکی از باورهای اعتقادی، عملی و آموزه‌های دینی را به چالش می‌کشد یا سبب کژتابی در شناخت درست آنها می‌شود، شبهه نام دارد.

باید توجه داشت شبهه با پرسش تفاوت دارد؛ درحالی‌که پرسش جست‌وجوی شناخت و فهم است، هدف شبهه ایجاد تردید و شک در دل مخاطب است. شبهه‌گر می‌کوشد با آمیختن حق و باطل، مخاطب را به چالش بکشد. به‌طور خلاصه، شبهه به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن حق و باطل یا حلال و حرام به‌روشنی مشخص نیستند و این امر می‌تواند به خطاهای شناختی و عملی منجر شود و دو چیز در اثر هم‌مثل بودن تشخیص داده نشود. امام علی ﷺ در توصیف شبهه آن را به حق شبیه می‌داند و می‌فرماید: «وَإِنَّمَا سُبِّتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ» (نهج البلاغه، خ ۳۸). همین معنا از شبهه در تحقیق حاضر مد نظر است.

- **روش:** روش نیز به معنای طریقه یا شیوه‌ای است که برای دستیابی به هدفی خاص به کار می‌رود. این واژه از ریشه یونانی «Methodos» به معنای «در پیش گرفتن راهی» مشتق شده است و به مجموعه‌ای از قواعد و ابزارها اشاره دارد که در فرآیند تحقیق و پژوهش استفاده می‌شود و آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۲۴). در زبان عربی روش را «منهج» و روش‌شناسی را «منهجیه» می‌گویند. روش‌شناسی به‌عنوان دانشی درجه دوم است که از

دیدگاهی بالاتر به روش‌های تحقیق به‌عنوان دانشی درجه اول می‌پردازد.

روش را مجموعه اقدامات و اعمال اصول و قوانینی گفته‌اند که برای یک تحقیق علمی به‌کار می‌رود (ترابی، ۱۳۴۷، ص ۴۰). با این توصیف «روش» فقط به راهی گفته می‌شود که افزون بر نظم و هدف معین، نیاز به شیوه خاص برای دستیابی به حقیقت دارد. کاربرد «روش» را تسهیل در بهبود عملیات تحقیق و پژوهش دانسته‌اند؛ به‌گونه‌ای که یک متن، شایسته اظهار نظر و داوری گردد و بر همین اساس «روش» را متعلق به مقام داوری گفته‌اند (فرامرزی فراملکی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵-۱۹۶)؛ بر این اساس روش، مجموعه اقدامات و اعمال اصول و قوانینی است که برای تحقیق علمی انجام می‌گیرد (خسروپناه، ۱۳۹۴، ص ۳۷) و افزون بر نظم و هدف معین، نیاز به شیوه خاص مد نظر است که بتوان به حقیقت دست یافت.

- روش‌شناسی: روش‌شناسی یا متدولوژی (Methodology)، وسیله شناخت علم است و به معنای چهارچوبی است که برای طراحی و اجرای تحقیقات علمی به‌کار می‌رود (شاله، ۱۳۴۶، ص ۷-۱۰). این مفهوم شامل مجموعه‌ای از اصول، روش‌ها و تکنیک‌هاست که محققان برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها و رسیدن به نتایج معتبر از آن استفاده می‌کنند. این مفهوم نه تنها شامل تکنیک‌های عملی برای جمع‌آوری داده‌هاست، بلکه به تجزیه و تحلیل نظری روش‌ها نیز می‌پردازد (دوورژه، ۱۳۶۲، ص ۳۳-۳۶). روش را مجموعه اقدامات و اعمال اصول و قوانینی گفته‌اند که برای یک تحقیق علمی به‌کار می‌رود (ترابی، ۱۳۴۷، ص ۴۰)؛ پس روش‌شناسی، یک رویکرد منظم برای حل مسائل تحقیقاتی ارائه می‌دهد که شامل مراحل مشخصی از طراحی تا تحلیل داده‌ها می‌باشد. روش تاریخی (Historical Method) را فعالیتی برای شناخت واقعیت‌های گذشته گفته‌اند که از دشوارترین انواع پژوهش است.

در تفاوت میان روش و روش‌شناسی باید توجه داشت روش به تکنیک‌های خاصی اشاره دارد که در جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌شود. روش‌شناسی به تبیین دلایل انتخاب این روش‌ها و اصول کلی حاکم بر طراحی تحقیق می‌پردازد؛ به عبارت دیگر روش‌ها ابزارهای عملی‌اند، در حالی که روش‌شناسی نظریه‌ای است که پشت انتخاب این ابزارها قرار دارد (فتح‌اللهی، ۱۳۸۸، ص ۳۱).

در نهایت باید گفت درک عمیق از روش‌شناسی برای هر پژوهشگری ضروری است تا بتواند تحقیقات خویش را با دقت و اعتبار انجام دهد. مقصود از روش‌شناسی در نوشتار حاضر، پاسخ‌دهی به پرسش‌ها و شبهات، بررسی و ارائه چهارچوب‌ها و روش‌هایی است که امکان پاسخ‌های مناسب به پرسش‌ها و شبهات را به ما می‌دهد.

۲. پیشینه

در حوزه گسترده مطالعات نظری تاریخ و سیره، موضوع روش تحقیق در شبهات سیره نبوی، پیشینه چندان پُرباری ندارد؛ به گونه‌ای که با وجود نقش بی‌بدیل بحث «روش‌شناسی» در این حوزه و کارهای سترگی که در روش‌شناسی تاریخ صورت گرفته است، بخش روش‌شناسی شبهات نیازمند تحقیقات بیشتر می‌باشد. همچنین بحث شبهات در سیره نبوی به‌طور خاص از غنای کافی برخوردار نیست. با وجود این آثاری در این باره وجود دارد که برخی از موارد حائز اهمیت است.

یکی از کتاب‌های جدید منتشرشده در این باره «روش‌شناسی اهل بیت^{علیهم‌السلام} در پاسخ به شبهات» اثر محمد صالح جباری است که به همت مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات به چاپ رسیده و به بررسی مدل‌های پاسخ‌گویی اهل بیت^{علیهم‌السلام} و ویژگی‌های آنها پرداخته است. این کتاب به صورت کلی - نه در موضوع سیره نبوی^{علیهم‌السلام} - کوشیده است پاسخ‌گویی به شبهات را از منظر اهل بیت^{علیهم‌السلام} توصیف نماید.

همچنین مقالاتی وجود دارند که به ریشه‌شناسی و روش‌شناسی پاسخ به شبهات می‌پردازند. این مقالات بر شناسایی ریشه‌های ایجاد شبهات تأکید دارند و می‌کوشند روش‌های پاسخ را بر اساس رویکرد علمی بیان کنند. مقاله «روش‌شناسی علمی پاسخ‌گویی به شبهات در سیره رضوی» (خرقانی، ۱۴۰۱، ص ۳۱-۵۶)، به بررسی روش‌های علمی پاسخ‌گویی به شبهات در سیره امام رضا^{علیه‌السلام} می‌پردازد و روش‌های عقلی و نقلی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این مقاله به بررسی چگونگی استناد به قرآن و سنت نبوی^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، تحلیل خاستگاه شبهات و استفاده از برهان‌های معقولیت پرداخته شده است.

در مقاله دیگری با عنوان «روش‌شناسی پاسخ‌گویی به شبهات با استفاده از مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق^{علیه‌السلام}» (محقق‌گرمی، ۱۳۹۹، ص ۸۷-۱۱۴)، مؤلف به بررسی مؤلفه‌های شناختی و رفتاری در پاسخ‌گویی به شبهات پرداخته است و نقش عقل و نقل را در این باره تحلیل می‌کند.

روشن است که درباره روش‌شناسی پاسخ به شبهات سیره نبوی، همچنان برخی نقاط ضعف و چالش‌ها وجود دارد که نیازمند پژوهش بیشتر می‌باشد. در تحقیق پیش رو بر شناخت ریشه‌های شبهات تأکید شده و بیشتر به دنبال رویکرد شناسایی علل درونی و بیرونی ایجاد شبهات و چگونگی پیشگیری از آنها خواهد بود؛ چراکه با توجه به این نقاط ضعف، نیاز است پژوهشگران در این باره رویکردهای جدیدی را دنبال کنند تا بر اساس اصول علمی و منطقی، پاسخ‌های مؤثری ارائه گردد. این نوشتار به دنبال تحقق چنین هدفی می‌باشد و بر آن است تا رسالت خویش را درباره روش‌شناسی پاسخ به شبهات سیره نبوی دنبال کند.

۳. گام‌ها و روش‌های پاسخ‌دهی به شبهات در سیره نبوی

برای پاسخ‌دهی به شبهات در سیره نبوی، مراحل و روش‌های متعددی وجود دارد که می‌تواند به‌طور مؤثر به روشن‌سازی و تبیین حقایق دینی کمک کند. به برخی از این گام‌ها و روش‌های کلیدی مؤثر اشاره می‌شود که در پاسخ‌دهی به شبهات در سیره نبوی کارآمد است.

۳-۱. توجه به خاستگاه و انگیزه‌های ایجاد شبهه

نخستین گام در پاسخ‌دهی به شبهات، شناسایی دقیق خاستگاه و تحلیل ریشه‌ها و علل ایجاد آن است. این امر شامل بررسی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است که شبهه در آن مطرح شده است. شناخت اصل و ریشه هر رویداد به فهم آن کمک شایانی می‌کند. شبهات مربوط به تاریخ و سیره نبوی نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ چراکه شبهات به‌عنوان عقایدی که با ذهن و روح انسان‌ها در ارتباط‌اند، اگر درست شناخته شوند و منشأ ایجاد آنها دانسته شود، آسان‌تر برطرف می‌شوند؛ از این‌رو شناساندن ریشه وقوع و ایجاد شبهات بسیار مهم است.

۱۶۳



امام علی علیه السلام شبهه را یکی از چهار پایه کفر شمرده و برای آن چهار ستون ذکر کرده است: «شبهه چهار ستون دارد: دل باختن در برابر آراستگی، وسوسه نفس، توجیه‌کردن کجی‌ها و آمیختن حق به باطل» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۹۱). در این روایت به چهار پایه شبهه اشاره شده است. اگرچه هریک از این ستون‌ها وابسته به نفس و اراده انسان است، ولی سه پایه نخستین، ارتباط عمیق‌تری با نفس انسان دارند و پایه چهارم یعنی در آمیختن حق و باطل، ریشه‌های بیرونی بسیاری دارد.

امام علی علیه السلام در کلامی دیگر دو گونه انسان را مبعوض‌ترین مردم نزد خداوند دانست: انسانی که خداوند او را به حال خویش واگذاشته، تاجایی که از راه راست منحرف شده و به سخن آمیخته با بدعت و دعوت به گمراهی، دلخوش کرده است. او فتنه‌ای برای فتنه‌جویان و ره‌گم‌کرده از راه روشن گذشتگان است. قسم دوم، انسانی است که انبوهی از نادانی را در خود جمع کرده و در میان جاهلان امت، جهت فریب‌شان می‌شتابد و در تاریکی‌های فتنه‌ها می‌تازد (نهج البلاغه، خ ۱۷). امام علی علیه السلام اینان را بدترین خلائق می‌شمرد که بار گناه دیگران را نیز بر دوش می‌کشند.

ضرورت ریشه‌یابی شبهات با موضوع سیره نبوی نیز در همین راستا قابل فهم است. نخستین شبهات در این باره توسط غیرمسلمانان دنبال شد و امروزه نیز منشأ بسیاری از شبهات در این حوزه را باید در غرب دید. نگاه غربی‌ها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از یک نگاه کاملاً خصمانه و کینه‌توزانه آغاز شد. نخستین مرحله مواجهه اروپاییان با پیامبر صلی الله علیه و آله مربوط به مرحله آغاز آشنایی آنها با اسلام است. غرب مسیحی از دیرباز و از زمان نخستین مواجهه‌های خود با قرآن، اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله، همواره موضعی

خصمانه نسبت به آنها داشت. از سوی دیگر به خاطر جایگاه خاص آن حضرت در دین اسلام، بدترین کینه‌توزی‌ها نسبت به اسلام را متوجه شخص پیامبر ﷺ کردند (صمیمی، ۱۳۸۲، ص ۲۸-۲۹). نخستین نوشته‌های غربی‌ها درباره پیامبر ﷺ همراه با تعابیری بسیار ناپسند و ناهم‌گرایانه و کینه‌توزانه بود، تاجایی که هنوز ریشه بسیاری از شبهات در موضوع سیره نبوی، به غرب و نگاه نادرست آنان معطوف است و با اتکا بر قدرت رسانه در جهان اسلام انتشار می‌یابد.

در واقع دنیای غرب همواره به چشم یک دشمن و رقیب به اسلام و مسلمانان می‌نگرد و تعجبی ندارد کتاب‌ها و نوشته‌های آنها در این قرون متمادی مشحون از کینه‌ورزی‌ها، دشمنی‌ها و شبهات نسبت به اصل اسلام و شخص پیامبر ﷺ باشد. این مطلبی است که حتی برخی شرق‌شناسان غربی نیز بدان اعتراف دارند؛ چنان‌که کارن آرمسترانگ، تصویر پیامبر ﷺ در غرب را که با شمشیر و تهدید دینی تصویر شده است، نمی‌پذیرد و حتی آن را درست برعکس واقعیت می‌داند (آرمسترانگ، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵).

براین اساس ریشه‌های شبهات مربوط به سیره نبوی متأثر از عوامل درونی و بیرونی می‌باشد. عوامل درونی به شبهات درونی و به تمایلات و افکار فردی مربوط می‌شود؛ مانند: نفس اماره (تمایلات نفسانی که انسان را به سمت باطل سوق می‌دهد) و تردید و شک (وجود تردید در باورها و اعتقادات که می‌تواند به بروز شبهات منجر شود). عوامل بیرونی نیز شبهات بیرونی ناشی از تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌اند و شامل این دو گروه است: شبهه‌افکنان (افراد که با نیت‌های گوناگون سعی در گمراه‌کردن دیگران دارند) و جاهلان عالم‌نما (کسانی که بدون دانش کافی، نظرات نادرست را منتشر می‌کنند).

ریشه‌شناسی شبهات تاریخی نیازمند شناخت دقیق عوامل ایجاد آنها و استفاده از روش‌های مؤثر برای پاسخ‌گویی است.

۳-۲. ارائه آگاهی نسبت به لوازم شبهه

روش‌شناسی در بررسی سیره نبوی و لوازم شبهه، به معنای تحلیل و ارزیابی پیامدهایی است که در مواجهه با شبهات و چالش‌های اعتقادی در موضوع سیره نبوی به وجود می‌آید. در این باره به شبهه‌افکنی‌های بی‌مبنا می‌توان اشاره کرد که می‌تواند جامعه اسلامی را به سوی فتنه سوق دهد و زمینه‌های فرهنگی و روانی وقوع فتنه را فراهم سازد؛ چراکه شبهه‌افکنی‌های بی‌مبنا و دروغین، پایه‌های اعتقادی در مسائل دینی را سست می‌کند. نتیجه شیوع شبهه در جامعه، بی‌توجهی به ارزش‌ها و احکام دینی خواهد بود. به تعبیر پیامبر اکرم ﷺ، شبهه‌های بی‌مبنا و خواسته‌های

غفلت‌آفرین سبب می‌شود حرام خدا حلال و حلال خدا حرام دانسته شود: «یستحلون حرامه بالشبهات الکاذبه والأهواء الساهیه» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۱۶۳).

شبهه‌افکنان برای ایجاد ابهام و تردید در دل مؤمنان و در نتیجه انحراف افکار عمومی، به متشابهات تمسک می‌کنند؛ چنان‌که قرآن کریم در این‌باره معتقد است: آنها که در قلوب‌شان انحراف است، به دنبال متشابه‌اند تا با تأویل کردن آن در دین، راه شبهه و فتنه‌گری را پدید آورند و فتنه‌انگیزی کنند و مردم را گمراه سازند: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ» (آل عمران: ۷). امام علی علیه السلام نیز در چند مورد این مسئله را تذکر داده است که هدف شبهه‌افکنان ایجاد فتنه است و رابطه‌ای وثیق میان شبهه و فتنه وجود دارد و توصیه می‌کند: از شبهه دوری کنید؛ زیرا شبهه به قصد فتنه و گمراهی ساخته شده است: «إلحدوا الشبهة، فإنها وضعت للفتنة» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۵). همچنین آن حضرت در نامه‌ای که پس از جنگ نهروان خطاب به معاویه نوشت، از او خواست از ایجاد شبهه و حق‌پوشی بپرهیزد و این‌گونه فضای شبهه را توصیف کرد: دیر زمانی است که فتنه‌ها و شبهات، پرده‌های سیاه خود را گسترانده و تیرگی‌های آن دیده‌ها را پوشانده است: «فَاخَذَرِ الشُّبُهَةَ وَاشْتِمَاهَا عَلَى أُبْسَتِهَا فَإِنَّ الْفِتْنَةَ طَالَمَا أُعْدِفَتْ جَلَابِيهَا وَاعْشَتِ الْأَبْصَارَ ظَلْمَتُهَا» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۵). از این تعبیر روشن می‌شود شبهه‌افکنی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و دینی، نقش مهمی در انحراف افکار عمومی و ایجاد تفرقه در جوامع ایفا می‌کند. این مفهوم به‌معنای القای شک و تردید در اصول و اعتقادات است که معمولاً با هدف گمراه‌سازی و فتنه‌انگیزی صورت می‌گیرد.

شبهه‌افکنی به‌معنای ایجاد ابهام و تردید در ذهن افراد درباره موضوعات دینی، تاریخی یا اجتماعی است. این کار ممکن است به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم انجام شود و در گزارش‌های تاریخ و سیره، بیشتر با استفاده از مغالطه‌ها و اطلاعات نادرست همراه است. سیره نبوی نیز از این‌گونه آسیب در امان نیست و ممکن است ایجاد شبهه به‌قصد ضربه‌زدن به اصول اعتقادی باشد. درحقیقت شبهه‌افکنی یک پدیده پیچیده و چندوجهی است که به‌ویژه در جوامع دینی و فرهنگی اهمیت بسیاری دارد؛ به‌گونه‌ای که شبهه به‌عنوان ابزاری برای فتنه و گمراه‌سازی، نه تنها بر روی فرد، بلکه بر روی جامعه نیز تأثیرگذار است و آگاهی از اهداف و روش‌های شبهه‌افکنی، به تقویت ایمان و وحدت اجتماعی می‌تواند کمک کند؛ ازاین‌رو آگاهی نسبت به روش‌ها و اهداف شبهه‌افکنی، به تقویت بنیان‌های اعتقادی افراد و جلوگیری از گمراهی می‌تواند کمک کند.

۳-۳. استفاده از شیوه‌های علمی در پاسخ‌دهی به شبهات

استفاده از شیوه‌های علمی در پاسخ‌دهی به شبهات، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌ها برای مقابله با چالش‌های فکری و اعتقادی است. این شیوه‌های علمی کمک می‌کنند تا با استدلال‌های منطقی و مستند، با شبهات روبه‌رو شد. برای اینکه تحقیق در تاریخ به صورت روشمند انجام گیرد و به طور صحیح بتوان واقعیت‌های تاریخی را از لابه‌لای منابع و گزارش‌های تاریخی استخراج کرد و به شبهات در این باره پاسخ مستدل ارائه کرد، باید منابع تاریخی اعم از نوشتاری و غیرنوشتاری را به شکل صحیح و با بهره‌گیری از ابزار و روش‌های علمی، شناسایی کرد و اندازه اعتبار و ارزش آنها را معین نمود. در این باره بررسی اطلاعات از نظر راوی و سند و در مرحله بعد، بررسی متنی گزارش‌ها و درستی اطلاعات موجود و ارائه تحلیل بسیار مهم است.

۳-۳-۱. بررسی سندی

یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش یک خبر تاریخی، اعتبارسنجی سندی و بررسی اصالت سند است. با توجه به اینکه تاریخ از علوم اسنادی است، محقق در تاریخ از طریق اسناد گوناگون به بررسی گزاره‌های تاریخی می‌پردازد و یک مسئله را با توجه به تمامی نقل‌ها و روایات بررسی می‌کند که در این صورت به دانش حدیث نزدیک می‌شود.

بسیاری از روایات تاریخی، به خصوص روایاتی که به صدر اسلام و سیره پیامبر اکرم ﷺ مربوط است، همراه با ذکر سلسله اسناد می‌باشد. توجه به راویان این روایات تا اندازه بسیاری می‌تواند صدق و کذب این روایات را برای ما آشکار سازد.

در مرحله نخست، سنجش اعتبار و نقد راوی خبر مد نظر بوده و با معیارهای رجالی و سندی، صحت خبر تاریخی مورد آزمون قرار می‌گیرد. بدیهی است ارزش و اعتبار خبر تاریخی در حله نخست به اسناد و راویان بستگی دارد. باین حال یکی از مهم‌ترین آفت‌ها و آسیب‌های برخی نوشته‌ها و کتاب‌ها به صورت کلی استناد به منابع واسطه‌ای، عدم ارزش‌گذاری منابع، ضعف در منبع‌شناسی و حتی عدم ذکر منبع است (نجفی، ۱۳۹۳، ص ۵۴).

دانش رجال که بررسی وثاقت راویان را برعهده دارد، از دانش‌های بسیار مهم و کارگشا در این باره است؛ به گونه‌ای که آن را از مبانی اجتهاد و علوم برشمرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۳۲، ج ۲، ص ۳۳۲) و استفاده از آن در بررسی گزارش‌های تاریخی امری لازم و ضروری می‌باشد؛ زیرا بیشتر گزارش‌های تاریخی به ویژه درباره زندگی پیامبر ﷺ بر پایه حدیث استوار است و نیاز به استفاده از ابزار حدیث‌شناسی نیز در تاریخ لازم است. دانش درایه، در کاربرد اولیه به معنای فهم عمیق حدیث

بوده و در مقابل مفهوم روایت قرار می‌گرفت.

ازسویی ممکن است یک روایت، سلسله سند آن معتبر باشد، ولی علما و فقهای بزرگ ما از آغاز تاکنون، آن را نادیده گرفته و از آن اعراض کرده‌اند؛ زیرا خلل‌های دیگری در آن یافته‌اند که این‌گونه روایت را «مُعْرَضَ عَنْهَا» نامیده و آن را فاقد اعتبار دانسته‌اند (همو، ۱۳۷۶، ص ۸۹). در گزارش‌های تاریخی نیز همین‌گونه است و نمی‌توان هر گزارش تاریخی را هرچند مشهور که با واقعیات تاریخی تناقض داشته باشد، پذیرفت؛ بنابراین باید به داده‌ها و گزارش‌های شاهدان پیشین اکتفا کنند و با نقد علمی، داده‌های درست را از داده‌های نادرست تشخیص دهند. در تحقیق تاریخی، داده‌های صحیح و قابل استناد را شواهد تاریخی می‌نامند. در فرهنگ محدثان و مورخان مسلمان، از آنها به اخبار و روایت تعبیر می‌شود.

در خوش‌بینانه‌ترین حالت حتی اگر مورخ را صادق و راستگو بدانیم، نوعی گزینش در نقل گزارش‌های تاریخی ازسوی او قابل انکار نیست و باید از این زاویه نیز به گزارش‌های تاریخی نگریست؛ چراکه اخبار و گزارش‌های تاریخی مانند هر خبر دیگر، قضیه‌ای است که احتمال صدق و کذب آن وجود دارد. دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در این باره می‌گوید:

در مورد روایات، البته فرق است بین روایات یک شاهد عینی یا معاصر واقعه، با روایت کسی که بعدها در باب آن واقعه چیزهایی شنیده است. پیداست که حتی در روایت شاهد عینی نیز جای سخن است تا چه رسد به روایت دیگران (زرین‌کوب، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱).

با این توصیف بررسی‌سندی در پاسخ‌دهی به شبهات اهمیت بسیاری دارد و با استفاده از روش‌های علمی همچون تحلیل وثاقت راویان، بررسی اتصال سند و نقد متون، به شبهات تاریخی و سیره می‌توان پاسخ داد که این شیوه نه تنها باعث تقویت بنیان‌های اعتقادی می‌شود، بلکه اعتماد عمومی نسبت به منابع دینی را افزایش می‌دهد.

۳-۳-۲. بررسی متنی و تحلیلی

در گزارش‌ها و اخبار تاریخی علاوه بر بررسی‌سندی و مستندبودن و صحت استناد، متن آن نیز از نظر عقلی باید بتواند مورد پذیرش واقع شود. شماری از عالمان و دانشمندان مسلمان کمابیش به این مطلب پرداخته‌اند.

در آثار تاریخی و سیره با کاربرست شیوه نقد محتوایی، روایاتی را به بوته نقد می‌توان کشاند که گاهی از اسناد مقبولی برخوردارند؛ به‌گونه‌ای که پنج معیار نقد این روایات شامل قرآن کریم، سنت متواتر، عقل استوار، تاریخ صحیح و اتفاق امت است و با توسل به این معیارها می‌توان روایات

نامقبول را با این ملاک‌ها اعتبارسنجی کرد (سبحانی، ۱۴۳۰، ص ۸).

برای بررسی متنی شیوه‌های علمی در پاسخ‌دهی به شبهات، به روش‌های گوناگونی که در مطالعات دینی و علوم انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توان اشاره کرد. این روش‌ها به تحلیل و تبیین متون دینی کمک می‌کنند و به پژوهشگران این امکان را می‌دهند که به پرسش‌ها و شبهات پاسخ دهند. در ادامه به برخی از این روش‌ها و مباحث مرتبط پرداخته می‌شود.

روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی، یکی از این موارد است. در شیوه تحلیل محتوای کیفی، به صورت تخصصی به تحلیل محتوای متون پرداخته می‌شود. قواعد و گام‌های روش تحلیل محتوای کیفی عمومی بوده و برای انواع متون به صورت مشترک استفاده می‌شود (عبداللهی نیسانی، ۱۳۹۷، ص ۲۷).

نظریه‌پردازی بر اساس متون دینی، روش دیگری است که استفاده از روایات و آیات قرآن کریم در آن برای تولید دانش دینی ضروری است. این روش شامل مرور روایات و استخراج نظریات از متون دینی است که به فهم بهتر مسائل اجتماعی و انسانی کمک می‌کند و به تبیین و تحلیل مسائل گوناگون از منظر دینی می‌پردازد (شریفی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶).

فهم روان‌شناختی متون دینی را باید روش دیگری در این باره دانست. این رویکرد بر این اساس استوار است که رفتارها، باورها و ارزش‌ها چگونه شکل می‌گیرند و چگونه می‌توان با استفاده از متون دینی به تبیین آنها پرداخت. در فهم روان‌شناختی، مسئله این است که رفتارها، باورها و ارزش‌ها، چرا و چگونه شکل می‌گیرند و چه تأثیر روانی دارند و چگونه می‌توان آنها را مهار و تنظیم کرد. این روش به تحلیل عمیق‌تر متون کمک می‌کند و زمینه‌ای برای پاسخ‌دهی به شبهات فراهم می‌آورد (پسندیده، ۱۳۹۸، ص ۶۲).

۳-۳-۳. بهره‌گیری از علوم کمکی

تاریخ به‌عنوان یک علم، از علوم کمکی و مرتبط با دیگر رشته‌ها بهره‌مند است. این علوم کمک‌کننده به تاریخ، به پژوهشگران این امکان را می‌دهند تحلیل‌های دقیق‌تری از وقایع تاریخی ارائه دهند و زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در نظر بگیرند. در واقع هنگام سخن‌گفتن از منابع تاریخی و روش تحقیق در تاریخ، از علوم کمکی تاریخ نیز سخن به میان می‌آید؛ چنان‌که فقه، علوم کمکی مانند صرف، نحو، منطق، علم معانی، بیان و بدیع، لغت، رجال و اصول دارد و کسی که می‌خواهد فقیه شود و در عرصه فقه به استنباط و اجتهاد بپردازد، باید تا اندازه‌ای با این علوم آشنا بوده و در برخی از آنها همچون اصول، تخصص داشته

باشد. این علوم جنبه مقدماتی و آلی نسبت به علم فقه دارند. تاریخ نیز علوم کمکی دارد که در فهم تاریخ از منابع و حتی در بازخوانی منابع و بررسی‌های تاریخی از آنها استفاده می‌شود. بدون آشنایی با این علوم، درک صحیح تاریخی و بهره‌گیری از منابع تاریخ و سیره چندان دقیق نخواهد بود (آئینه‌وند، ۱۳۷۷، ص ۲۸۵).

علوم اجتماعی مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به تحلیل رفتارهای اجتماعی پیامبر ﷺ کمک می‌کنند؛ برای مثال در بررسی غزوه احد، از نظریات جامعه‌شناسی برای تحلیل واکنش‌های مسلمانان نسبت به شکست و تأثیرات آن بر روحیه اجتماعی می‌توان استفاده کرد. این تحلیل‌ها نشان می‌دهند چگونه پیامبر ﷺ با صبر و استقامت خویش توانست روحیه مسلمانان را تقویت کند. علم سیاست نیز به تحلیل ساختارهای سیاسی، نظام‌های حکومتی و روابط میان آنها کمک می‌کند. تاریخ سیاسی با بررسی تغییرات در نظام‌های حکومتی و تأثیرات آن بر جامعه، به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که روندهای تاریخی را بهتر درک کنند.

۱۶۹



فلسفه سیاسی می‌تواند اصول حاکم بر سیره نبوی را روشن کند. این علم به بررسی نظریه‌های حکومتی، عدالت و اخلاق در سیاست می‌پردازد و چهارچوبی برای تحلیل رفتارهای سیاسی پیامبر ﷺ می‌تواند فراهم کند. بررسی اصولی همچون عدالت‌محوری، مشاوره و مشارکت در تصمیم‌گیری، از جمله مباحثی است که از این راه می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد (همان، ص ۳۱۰). استفاده از علوم کمکی در تاریخ نه تنها باعث غنای تحلیل‌های تاریخی می‌شود، بلکه به پژوهشگران این امکان را می‌دهد با نگاهی جامع‌تر به وقایع تاریخی بنگرند و در فهم سیره نبوی کمک می‌کند با استفاده از ابزارها و رویکردهای گوناگون، تحلیل‌های عمیق‌تری از زندگی و رفتار پیامبر اکرم ﷺ ارائه شود.

۳-۴. استناد به قرآن کریم و انگاره‌های مورد قبول

در بحث‌های تاریخ و سیره، استفاده از انگاره‌های مورد قبول مخاطب بسیار اهمیت دارد. این انگاره‌ها شامل اطلاعاتی‌اند که بدون نیاز به استدلال جدید، توسط مخاطب پذیرفته شده‌اند. قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی آموزه‌های اسلامی، به‌عنوان یک مرجع معتبر در بررسی سیره نبوی و تاریخ اسلام می‌تواند استفاده شود. آیات قرآن نه تنها اصول اخلاقی را تبیین می‌کنند، بلکه رفتارهای پیامبر ﷺ را نیز تأیید می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای پاسخ به شبهات، استناد به آیات قرآن و احادیث معتبر است که در زمره انگاره‌های مورد قبول قرار دارند. این منابع نه تنها پایه‌گذار اعتقادات اسلامی‌اند، بلکه

به‌عنوان مرجع برای توضیح مسائل گوناگون می‌توانند استفاده شوند؛ مثلاً اگر شبهه‌ای درباره رفتار پیامبر ﷺ در جنگ‌ها مطرح شود، با استناد به آیات قرآن که بر اصول اخلاقی جنگ تأکید دارند، می‌توان پاسخ داد.

درواقع آیات قرآن کریم بهترین و گویاترین سند برای انعکاس حقایق تاریخی است و یکی از مهم‌ترین معیارهای صحت‌سنجی گزارش‌های تاریخی محسوب می‌شود و عرضه بر آیات قرآن را می‌توان معیار سنجش اخبار تاریخی و سیره دانست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۵۲۳)؛ براین اساس قرآن کریم به‌عنوان یک معیار سنجش مطمئن اخبار صدق و کذب به مسلمانان معرفی شده است و در روایات بسیاری، معیار صدق و کذب هر حدیث را قرآن کریم گفته‌اند (دروازه، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۶۵).

تطبیق تاریخی برخی وقایع مربوط به عصر پیامبر ﷺ مانند ترتیب تطبیق تاریخی خبر قرآنی پیشگویی غلبه روم بر ایران در سلسله جنگ‌های میان آنها و بهره‌گیری از اخبار تاریخی در جهت تبیین سیره نبوی و پاسخ به شبهات در حوزه تاریخ اسلام و زندگانی پیامبر اکرم ﷺ در این باره قابل فهم و ارائه است؛ به‌گونه‌ای که استناد به منابع معتبر و انگاره‌های مورد قبول در بررسی شبهات مربوط به پیامبر اکرم ﷺ به‌ویژه در زمینه‌های تاریخی و اجتماعی، به درک بهتر سیره نبوی و پاسخ به شبهات می‌تواند کمک کند.

۳-۵. تطبیق با منطق عقلانی

تطبیق گزاره‌های تاریخ عصر پیامبر اکرم ﷺ با منطق عقلانی، راهکاری برای پاسخ به شبهات سیره نبوی است. عقل به‌عنوان یکی از منابع معتبر در استنباط احکام شرعی و فهم معانی دینی، نقش کلیدی در تبیین و تحلیل مفاهیم اسلامی ایفا می‌کند. دلایل تطابق سیره نبوی با منطق عقلانی را در دعوت به تفکر و تعقل می‌توان دید؛ به‌گونه‌ای که قرآن کریم و سیره نبوی همواره بر اهمیت تفکر و تعقل تأکید دارند.

تحلیل منطقی شبهات و ارائه دلایل عقلانی برای رد آنها نیز روشی مؤثر است. استفاده از منطق و استدلال‌های عقلانی، مخاطب را متقاعد می‌سازد که شبهه مطرح‌شده نادرست است؛ برای مثال در پاسخ به شبهاتی که درباره رفتار پیامبر ﷺ در تعامل با غیر مسلمانان مطرح می‌شود، با تحلیل منطقی می‌توان نشان داد رفتارهای ایشان همواره مبتنی بر اصول انسانی و اخلاقی بوده است.

سنجش اعتبار و نقد و بررسی گزارش تاریخی بر اساس مطابقت با عقل و مقایسه و تطبیق با سایر منابع و شواهد و البته سنجش گزارش بر اساس زمان و مکان صورت می‌گیرد. اگر گزارش

تاریخی با این موارد مغایرت نداشته باشد، از آن باعنوان یک خبر تاریخی دارای سند و صحت می‌توان یاد کرد. محتوای یک گزارش یا روایت، از نشانه‌های اعتبار سند است.

استفاده از تاریخ در سیره نبوی را در تلفیق و تطبیق گزارش‌های تاریخی با مستندات قطعی همچون قرآن و عقل می‌توان به‌کار برد؛ چنان‌که با همین شیوه ایمان‌آبا و اجداد پیامبر اکرم ﷺ اثبات می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۰۵-۳۰۶).

بر اساس آنچه گفته شد، از معیارهای صحت گزارش تاریخی انطباق با واقع، عقل و آثار گذشتگان است. حدس و گمان هوشیارانه در فهم وقایع تاریخی در کنار نقد درونی و بیرونی، یکی از راهکارهای مفید در بررسی و نقد روایات و منابع تاریخ و سیره است که در پرتو عقل منطقی صورت می‌گیرد.

۳-۶. استفاده از روش‌های متنوع پاسخ‌دهی

استفاده از روش‌های متنوع پاسخ‌دهی در شبهات سیره نبوی به منظور تقویت درک و تبیین آموزه‌های اسلامی، نیازمند رویکردهای علمی و عملی است. در این باره چندین روش مؤثر وجود دارد که به پژوهشگران در این عرصه کمک می‌کند؛ به‌گونه‌ای که پاسخ‌دهی به شبهات سیره نبوی نیازمند استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های متنوع است که می‌تواند به تقویت استدلال‌ها و افزایش قانع‌کنندگی پاسخ‌ها کمک کند. در این مسئله دو تکنیک مؤثر وجود دارد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود:

- روش‌های ایجابی: این روش‌ها شامل مواردی‌اند که باید در پاسخ‌گویی به شبهات استفاده شوند؛ از جمله این روش‌ها به استناد به قرآن کریم و سنت نبوی، استفاده از برهان‌های منطقی و تبیین صحیح مفاهیم می‌توان اشاره کرد.

- روش‌های سلبی: این روش‌ها شامل مواردی‌اند که باید از آنها پرهیز شود. این امر شامل اجتناب از استدلال‌های غیرمنطقی یا استفاده از زبان توهین‌آمیز می‌شود. این روش‌ها نباید در پاسخ‌گویی به شبهات مورد استفاده قرار گیرند. هدف از این روش‌ها جلوگیری از استفاده نادرست از اطلاعات و استدلال‌هاست.

بر اساس تقسیم‌بندی دیگری روش‌های پاسخ‌گویی شامل پاسخ نقضی و پاسخ حلّی می‌باشد که پاسخ نقضی شامل ارائه دلایل و شواهدی است که استدلال شبهه‌گر را باطل کند، پیش از اینکه پاسخ حلّی ارائه شود. این تکنیک بسیار مؤثر است؛ زیرا ابتدا پایه‌های شبهه را متزلزل می‌کند و سپس با دلایل مثبت موضوع را روشن می‌سازد؛ مثلاً اگر کسی ادعا کند پیامبر ﷺ در جنگ‌ها

بی‌رحم بود، ابتدا باید دلایل او را رد کرد و سپس با ارائه شواهد تاریخی نشان داد ایشان همواره بر رعایت اصول انسانی تأکید داشت.

در پاسخ حلّی، ارائه دلایل مثبت که موضوع را روشن‌تر کند، ضروری است. این کار نه تنها سبب رفع ابهام می‌شود، بلکه مخاطب را ترغیب به تفکر بیشتر درباره موضوع خواهد کرد؛ برای مثال در پاسخ نقضی برای شبهه بی‌رحم بودن پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌ها، با استناد به گزارش مورخان مبنی بر اینکه پیامبر ﷺ در فتح مکه در عین قدرت و سلطه کامل، همه دشمنان خود را که سران مکه را شامل می‌شد، مورد عفو و بخشش قرار داد (ابن هشام، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۱۲)، از اساس مدعای شبهه را می‌توان نقض کرد.

برای پاسخ حلّی نیز تحلیل رفتار پیامبر اکرم ﷺ در این جنگ مبتنی بر دفاعی بودن جنگ‌ها در سیره نبوی است که یا برای دفاع از شهرها یا جلوگیری از حمله یا تنبیه متجاوزان صورت گرفته یا به جهت نقض پیمان بوده است؛ چنان‌که در فتح مکه، نقض پیمان صلح توسط مشرکان صورت گرفته بود (همان، ص ۳۸۹). همچنین تأکید بر حفظ اخلاقیات در سیره نظامی آن حضرت که به پیروان خویش آموزش می‌داد چگونه جنگ‌ها همراه با مراعات اخلاق انسانی باشد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۴۱-۱۴۲)، در پذیرش پاسخ حلّی کمک می‌کند.

تبیین دقیق مفاهیم مرتبط با شبهه نیز بسیار مهم است. بسیاری از شبهات، ناشی از سوءتفاهم در مفاهیم دینی‌اند که با توضیحات صحیح برطرف می‌شوند؛ برای مثال شبهه‌ای درباره مفهوم جهاد ممکن است ناشی از عدم درک صحیح این مفهوم باشد؛ بنابراین تبیین درست آن به رفع ابهام می‌تواند کمک کند.

همچنین اصول کلیدی در پاسخ‌گویی، تأکید بر صداقت و شفافیت است؛ زیرا استفاده از اطلاعات نادرست یا فریبکارانه نه تنها اعتبار فرد را زیر سؤال می‌برد، بلکه ممکن است باعث گمراهی دیگران نیز بشود.

نتیجه

تاریخ و سیره، دانشی معرفتی با موضوع گذشته است که با تکیه بر روش‌های خاص خود به دنبال کشف شیوه حقیقت تاریخی می‌باشد و محققان از رویکردها و روش‌های متفاوتی در دانش تاریخ و سیره بهره می‌گیرند. مقاله حاضر به بررسی روش‌شناسی مواجهه و پاسخ به شبهات مرتبط با سیره نبوی پرداخته است.

روش‌شناسی پاسخ به شبهات در موضوع سیره نبوی، نیازمند ترکیبی از اصول عقلانی، اخلاقی

و تربیتی است که با بهره‌گیری از تکنیک‌های مناسب و توجه به خاستگاه شبهات، به شکاف‌های اعتقادی می‌توان پاسخ داد و جامعه را در مسیر درست هدایت کرد.

پاسخ‌دهی به شبهات در سیره نبوی، یک فرآیندهای پیچیده، ولی ضروری است که نیازمند شناخت عمیق از منابع دینی، مهارت‌های گفتاری و توانایی تحلیل موقعیت‌هاست. با بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌های گوناگون به شیوه‌ای مؤثر و سازنده به چالش‌های در این حوزه می‌توان پاسخ داد. این رویکرد نه تنها باعث تقویت ایمان مؤمنان خواهد شد، بلکه اعتبار دین اسلام را نیز حفظ خواهد کرد.

معیارهای صحت گزارش تاریخی در سیره نبوی شامل بررسی اسناد و مدارک تاریخی، تطابق با قرآن و سنت معتبر و استفاده از عقل و شواهد معتبر است. همچنین تحلیل محتوای روایات و توجه به زوایای گوناگون تأثیرگذار در ارزیابی صحت گزارش‌های تاریخی، به‌ویژه در سیره نبوی، معیارهای متعددی وجود دارد که می‌تواند به تحلیل دقیق‌تر و معتبرتر این گزارش‌ها کمک کند.

اهمیت و جایگاه سیره و سنت نبوی به‌عنوان دومین منبع استنباط مورد اتفاق همه فقهای اسلام بوده و از آن باعنوان سنت تعبیر شده است، ولی برای پذیرش هر روایت در این حوزه، سه شرط لازم است: «سند روایت معتبر باشد»، «روایت مخالف آیات قرآن کریم نباشد» و «از نظر دانشمندان و علمای دین قابل قبول باشد».

منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه؛ صبحی صالح.
۱. آرسترانگ، کارن؛ محمد^ﷺ؛ ترجمه کیانوش حشمتی؛ تهران: حکمت، ۱۳۸۳.
 ۲. آئینه‌وند، صادق؛ علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
 ۳. ابن فارس، احمد؛ معجم مقانیس اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
 ۴. ابن منظور، محمدبن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
 ۵. ابن هشام، عبدالملک بن هشام؛ السیرة النبویة؛ بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
 ۶. امامی فر، علی؛ تاریخ نگاران شیعه؛ قم: انتشارات پارسایان، ۱۳۸۳.
 ۷. پسندیده، عباس؛ روش فهم روان‌شناختی متون دینی؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۸.
 ۸. ترابی، علی اکبر؛ فلسفه علوم؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷.
 ۹. جان احمدی، فاطمه؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی؛ تهران: نشر معارف، ۱۳۹۸.
 ۱۰. جعفریان، رسول؛ منابع تاریخ اسلام؛ تهران: نشر علم، ۱۳۹۳.
 ۱۱. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعة؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
 ۱۲. خرقانی، حسن و البرز محقق گرفمی؛ «روش‌شناسی علمی پاسخ‌گویی به شبهات در سیره رضوی»، فصلنامه علمی فرهنگ رضوی؛ ش ۳۷، بهار ۱۴۰۱، ص ۳۱-۵۶.
 ۱۳. خسروپناه، عبدالحسین؛ روش‌شناسی علوم اجتماعی؛ تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۴.
 ۱۴. دروزه، محمد عزه؛ الدستور القرآنی والسنة النبویة فی شؤون الحیاة؛ قاهره: مطبعة عیسی البابی الحلبی و شرکاء، ۱۳۸۶.
 ۱۵. دوورژه، موریس؛ روش‌های علوم اجتماعی؛ ترجمه خسرو اسدی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
 ۱۶. زبیدی، سید محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
 ۱۷. زرین کوب، عبدالحسین؛ تاریخ در ترازو؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
 ۱۸. ساروخانی، باقر؛ روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
 ۱۹. سبحانی، جعفر؛ الحدیث النبوی بین الروایة والدرایة؛ قم: مؤسسه الإمام الصادق^ﷺ، ۱۴۳۰ق.
 ۲۰. شاله، فلیسین؛ شناخت روش علوم یا فلسفه علمی؛ ترجمه یحیی مهدوی؛ تهران: دانشگاه

تهران، ۱۳۴۶.

۲۱. شریفی، احمدحسین؛ نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی؛ تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۹.
۲۲. صمیمی، مینو؛ محمد در اروپا؛ ترجمه عباس مهرپویا؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۸۲.
۲۳. طریحی، فخرالدین؛ مجمع‌البحرین؛ تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.
۲۴. طوسی، محمدبن‌حسن؛ التبیان فی تفسیرالقرآن؛ مکتب‌الأعلام‌الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۲۵. طوسی، محمدبن‌حسن؛ تهذیب‌الأحكام؛ تهران: دارالکتب‌الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۶. عبداللهی نیسیانی، علی؛ «روش تحلیل محتوای کیفی تطبیق‌یافته به منظور تحقیق در متن قرآن کریم؛ ارائه یک مطالعه موردی در علوم رفتاری»، آموزه‌های قرآنی؛ ش ۲۸، بهمن ۱۳۹۷، ص ۲۷-۵۶.
۲۷. فتح‌اللهی، ابراهیم؛ متدولوژی علوم قرآنی؛ تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۸.
۲۸. فرامرز قراملکی، احد؛ روش‌شناسی مطالعات دینی؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰.
۲۹. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ العین؛ قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۰ق.
۳۰. کار، ای.اچ.؛ تاریخ چیست؛ ترجمه حسن کامشاد؛ تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱.
۳۱. کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب‌الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۲. محقق‌گرمی، البرز، زین‌العابدین قربانی و محمد میرزایی؛ «روش‌شناسی پاسخ‌گویی به شبهات با استفاده از مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق»، کلام اسلامی؛ ش ۱۱۴، تیر ۱۳۹۹، ص ۸۷-۱۱۴.
۳۳. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۳۴. مفتخری، حسین؛ مبانی علم تاریخ؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ اعتقاد ما؛ قم: نسل جوان، ۱۳۷۶.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب‌الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ دائرة‌المعارف فقه‌مقارن؛ قم: مدرسه امام علی‌بن‌ابی‌طالب، ۱۴۲۷ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ طریق‌الوصول إلى مهمات علم‌الأصول (أصول‌الفقه بأسلوب حدیث و آراء جدیدة)؛ قم: دارالنشر الإمام علی‌بن‌ابی‌طالب، ۱۴۳۲ق.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ مدیریت و فرماندهی در اسلام؛ قم: نسل جوان، ۱۳۸۹.
۴۰. ملائی توانی، علیرضا؛ درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ؛ تهران: نی، ۱۳۸۶.
۴۱. نجفی، محمدعلی؛ آفات پژوهش؛ قم: دارالتفسیر، ۱۳۹۳.

